



739E

739
E

نام
نام خانوادگی
محل امضاء



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.
امام خمینی (ره)

آزمون دانش‌پذیری دوره‌های فراگیر «کارشناسی ارشد» دانشگاه پیام نور

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی (کد ۱۳۷)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	نظم فارسی (۱) - شاهنامه	۲۰	۱	۲۰
۲	نثر فارسی (۱) - تاریخ بیهقی	۲۰	۲۱	۴۰
۳	عربی (۱) - صرف و نحو	۲۰	۴۱	۶۰
۴	زبان تخصصی خارجی	۳۰	۶۱	۹۰

آذر ماه سال ۱۳۹۲

نمره منفی ندارد.
استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

- ۱- معنی واژه‌های: غرم، خوید، شبه، ذرج، در کدام گزینه درست است؟
 (۱) آهو، غله‌ی نارس، مانند شب، جعبه‌ی جواهر
 (۲) بزکوهی، خوشه‌ی گندم، سیاهی، صندوقچه
 (۳) میش کوهی، علف نورسته، سنگی سیاه، پیرایه‌دان
 (۴) بزکوهی، علف هرز، سنگ برآق، صندوق
- ۲- با توجه به جهات پنج‌گانه‌ی لشکر، واژه‌های همه‌ی گزینه‌ها به استثنای تناسب معنایی دارند.
 (۱) میسره، قلب (۲) میمنه، ساقه
 (۳) قلب، ساقه (۴) واسطه، میسره
- ۳- با توجه به ابیات زیر، کدام گزینه نادرست است؟
 «چنان ساخت روشن جهان آفرین
 در آن تیرگی رستم او را بدید
 (۱) وجه همه‌ی افعال متعدی است.
 (۲) «روشن» صفت جهان آفرین است.
 (۳) «روشن» و «سبک» نقش قیدی دارند.
 (۴) سه ترکیب وصفی در ابیات وجود دارد.
- ۴- نقش واژه‌های مشخص شده در ابیات زیر، کدام است؟
 «چنین تا به دیوان رسد آگهی
 کمریست و رفت از در شاه گیو
 (۱) نهاد، مفعول، نهاد، مضاف‌الیه
 (۲) جهان کن سراسر ز جادو تهی
 ز لشکر گزین کرد گردان نیو»
 (۳) وصفی، نهاد، نهاد، مضاف‌الیه، مضاف‌الیه
 (۴) قید، نهاد، مفعول، نهاد، وصفی
 (۵) قید، مفعول، مفعول، نهاد، وصفی
- ۵- کدام بیت ذوقافیتین است؟
 (۱) همیشه نیاساید از جستو جوی
 (۲) پریشان بگردم دو صدسال پیش
 (۳) به دست خردمند مرد نژاد
 (۴) چون از جابگه بگسلد پای خویش
- ۶- در کدام بیت، هر دو استعاره مصرحه و بالکنایه وجود دارد؟
 (۱) همه ساله خندان لب جویبار
 (۲) در آزمندی است اندوه و رنج
 (۳) هر آن کس که خشم سنان تودید
 (۴) اگر پیسل با پشه کین آورد
- ۷- در همی ابیات به استثنای بیت آرایه‌ی اغراق به کار رفته است.
 (۱) یکی کوه بودس سراندر سحاب
 (۲) جهان گفتی از تیغ و از جوشن است
 (۳) ز خون خاک، گل گشت و هامون چو کوه
 (۴) دلش ز ن شگفتی به دو نیم شد
- ۸- در بیت زیر، کدام واژه مجاز است؟
 «که زنده شد از تو دل تنگ من
 و گرنه به نردم رسیدی کفن»
 (۱) نرد (۲) تنگ
 (۳) کفن (۴) دل
- ۹- در همه‌ی ابیات به جز بیت ویژگی زبانی سبک خراسانی به کار رفته است.
 (۱) ز زینش جدا کرد و برداشتش
 (۲) بشد هوش از آن مرد زورآزمای
 (۳) چو چشم تهمت به ایشان رسید
 (۴) به هشتم در گنج‌ها کرد باز
- ۱۰- با توجه به ویژگی‌های چهارگانه شاهنامه، کدام بیت با ویژگی مقابل خود هماهنگی ندارد؟
 (۱) وز آن پس بدو گفت فرخ قباد
 (۲) به پیش اندرون کاویانی درفش
 (۳) سیاهی و شهری مرا یکسر است
 (۴) به قلب اندرون قارن رزم زن
- ۱۱- در کدام بیت خرق عادت به کار نرفته است؟
 (۱) که شاه جهان در دم ازدهاست
 (۲) نباید که ارزنگ و دیو سپید
 (۳) ز دیوان به پیش اندرش سنجه بود
 (۴) بیفگند گوری چو پیل زبان
- که پنهان نکرد ازدها را زمین
 سبک تیغ تیز از میان برکشید»
 (۲) «روشن» صفت جهان آفرین است.
 (۴) سه ترکیب وصفی در ابیات وجود دارد.
- جهان کن سراسر ز جادو تهی
 ز لشکر گزین کرد گردان نیو»
 (۲) قید، نهاد، مفعول، نهاد، وصفی
 (۴) قید، مفعول، مفعول، نهاد، وصفی
- همه ساله هر جای رنگ است و بوی
 چنین دیده‌ام حال و احوال خویش
 نم‌ماند جز از حسرت و سرد باد
 به شاخ نو آیین دهد جای خویش
- همه ساله بازشکاری به کار
 شدن تنگ دل در سرای سپنج
 به تن در روانش کجا آرمید
 همه رخنه در داد و دین آورد
- بر آورده از چرخ تا قعر آب
 ستاره ز نوک سنان روشن است
 ز بس کشته افکنده از هر گروه
 که از رستمش جان پر از بیم شد
- چو بر بابزن مرغ برگاشتش
 ز بالای اسب‌اندر آمد به پای
 به ره بر درختی پر از شاخ دید
 ببخشد آن را که بودش نیاز
- که بی زال تخت بزرگی میاد (خرق عادت)
 جهان زوشده سرخ وزرد و بنفش (ملی، میهنی)
 همه پادشاهی مرا لشکر است (داستانی)
 ابا گرد کشواد لشکر شکن (قهرمانی پهلوانی)
- بر ایرانیان بر چه مایه بلاست
 به جان از تو دارند هرگز امید
 که جان و تنش زان سخن رنجه بود
 جدا کردش از چرم تن تا میان

- ۱۲- معنی درست بیت زیر، کدام است؟
 «تو را جنگ ایران چو بازی نمود ز بازی سپه را درازی نمود»
 (۱) وقتی جنگ ایران را به بازی گرفتی، سپاه به این برنامه اعتراض کردند و روی گردان شدند.
 (۲) جنگ ایرانیان در نظر تو بی ارزش بود و عمر سپاه در این جنگ تلف شد.
 (۳) تو جنگ با ایرانیان را سبک شمردی و از این روی، آن نبرد به درازا کشید.
 (۴) جنگ با ایران را مانند بازی تصور کردی و این بازی سپاه را درمانده کرد.
- ۱۳- در کدام بیت شاه ایران قرار داد صلح و آشتی با تورانیان بست؟
 (۱) ز زاولستان تا به دریای سند
 (۲) تورا آشتی بهتر آید ز جنگ
 (۳) ز کردار بدگر پشیمان شدی
 (۴) به نوی یکی باز پیمان نوشت
 با توجه به ابیات زیر «بر دل گرفتند یاد» یعنی
- ۱۴- «چنان بد که ابلیس روزی پگاه نشستند و بر دل گرفتند یاد»
 (۱) از ترس هیچ چیزی را به یاد نمی آوردند
 (۲) هر چه می دانستند به خاطر سپردند
 (۳) از کدام بیت مفهوم «تسلیم در برابر پروردگار» استنباط می شود؟
 (۱) همه پیش فرمائش بیچاره اند
 (۲) که گر چرخ گوید مرا کاین نیوش
 (۳) جهان آفرین بی نیاز است از این
 (۴) به جایی که تنگ اندر آمد سخن
- ۱۵- واژه «هیچ» در کدام بیت معنای متفاوتی با سایر ابیات دارد؟
 (۱) اگر هیچ خوی بد آرد پدید
 (۲) گر آخر بدین بارگاه مهی
 (۳) گر آرد ملک هیچ بخشایشی
 (۴) اگر هیچ سرخاری از آمدن
 واژه «اگر، گر» در کدام بیت کاربرد معنایی متفاوتی دارد؟
 (۱) همیشه به جنگ نهنگ اندر است
 (۲) نشاید بدین کار آهرمنی
 (۳) نشاید کزین پس چمیم و چریم
 (۴) بیاراست خود را به سان بهار
- ۱۶- بیت: «از امروز کاری به فردا ممان»
 با همه ی ابیات به استثنای بیت تناسب مفهومی دارد.
 (۱) کار امروز تو چو ساخته نیست
 (۲) دمی خوش باش غوغا را که دیده است
 (۳) فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان
 (۴) ای بی خبر دل از دو جهان برخدای بند
- ۱۷- در همه ی ابیات به استثنای بیت عبارت کنایی به کار رفته است.
 (۱) سزاور هر کس بفرمود گنج
 (۲) چون آن نامه شاه یکسر بخواند
 (۳) همی گفت با من که جوید نبرد؟
 (۴) چو آمد به نزدیک شاه اندرون
 با توجه به عبارت: «کیقباد صد سال شادان زیست» ... کدام گزینه به ترتیب، در جای خالی قرار می گیرد؟
 «پسر بد مر او را خردمند چار نخستین چو با آفرین چهارم کجا بود نام»
 (۱) گرگین، کی آرش، طوس یل
 (۲) کاووس، کی آرش، اشکسش
 (۳) گودرز، سیاوش، اشکسش
 (۴) کاووس، سیاوش، طوس یل

- ۲۱- معنی چند واژه درست است؟ (نهمت: نیاز و حاجت) (انقیاد: فرمانبرداری) (خدمت: عریضه) (طراز: نمط) (تشبث: ربط دادن) (خبیثه: پنهانی) (سلخ: اول ماه) (عدت: آماده شدن) (محابا: فرو گذاشت کردن) (برکشد: بکشد) (اهبت: ساز و سامان کار)
- (۱) نه (۲) هفت (۳) هشت (۴) شش
- ۲۲- در کدام گزینه معنی بعضی از واژگان درست نیست؟
- (۱) (وضع: فرودست) (لجاج: ستهیدن) (عشوه: فریب) (اصطناع: نیکو داشت)
- (۲) (عماری: هودج) (قصوره: شیر بیشه) (برم: ملامت) (دانسته آید: معلوم باشد)
- (۳) (در وقت: بی درنگ) (اقاصیص: قصاص کردن) (رکن: گوشه) (راستا: ردیف)
- (۴) (استیصال: از بیخ برکندن) (صفه: پیش دالان) (عاق: نافرمان) (غور: ژرفا)
- ۲۳- در کدام گزینه غلط املایی یافت می‌شود؟
- (۱) منهزم و شکست یافته، مثلبه و نقیصه، راجح و افزون، غلس و ظلمات
- (۲) تثبّت و تآنی، بطنانه‌ی معتمد، غضازت و ذلّت، نوه و نبسه
- (۳) سطوت و حشمت، توقیر و تبجیل، فطنت و زیرکی، طلب و اقتراح
- (۴) راه‌های نبهره، رثاق و حجره، هزاهز و غریو، ضراعت و ذلّت
- ۲۴- فرزندان شخصی هستند که سمت ریاست مذهبی یکی از بت کده‌های بودایی شهر بلخ یعنی نوبهار را داشته و ظاهراً لقب عمومی جمیع کسانی بوده است که به این مقام می‌رسیده‌اند.
- (۱) میکائیلیان (۲) قرامطه (۳) کرامیه (۴) برامکه
- ۲۵- «زمان فعل» در همانک مقابل همی عبارات به جز عبارت درست آمده است.
- (۱) همه آراسته با سلاح تمام و دانسته آید. (دانسته آید: مضارع مجهول به جای امر غایب)
- (۲) تلتقی دیگر باید تا پرسیده آید. (پرسیده آید: مضارع مجهول به جای مضارع معلوم)
- (۳) وی آمد و چنان باید که کارها ساخته باشند. (آمد: مستقبل محقق الوقوع به صیغه‌ی ماضی)
- (۴) هم بر آن جمله که وی دیده است، بداشته آید. (بداشته آید: مضارع مجهول به جای امر حاضر)
- ۲۶- نقش دستوری واژگان مشخص شده در متن زیر کدام است؟
- «بار داد باردادنی سخت بشکوه و اولیا و حشم بیامدند به رسم خدمت و غازی سپاه سالار را فرمود تا بنشانند.»
- (۱) مفعول، قید روتش و تأکید، مضاف‌الیه، عطف بیان
- (۲) مفعول، قید حالت، مضاف‌الیه، متمم
- (۳) مفعول، قید روتش و تأکید، وصفی، مفعول
- (۴) قید، قید حالت، مضاف‌الیه، بدل
- ۲۷- نوع «ی» در کدام گزینه «توقیت» است؟
- (۱) سحرگاهی استادم مرا بخواند. برفتم.
- (۲) وی را عارضی باید کرد و ترا وزارت.
- (۳) من شرایط این شغل را در خواهم به تمامی.
- (۴) از هرات نامه‌ی توقیعی رفته بود.
- ۲۸- نقش دستوری کلمات مشخص شده در متن «امیر حال با ایشان بازگفت و مطلقه مرا داد. چون فارغ شدم، گفتند: زندگانی خداوند دراز باد، این ملکه نصیحتی کرده است و سخت بوقت آگاهی داده و خیر بزرگ است.» به ترتیب کدام است؟
- (۱) مسندالیه، متمم، مسندالیه، مفعول، وصفی، قید
- (۲) مفعول، مفعول، مسند، جمله معترضه، قید، وصفی
- (۳) مفعول، متمم، امید، مفعول، قید، وصفی
- (۴) مفعول، متمم، مسند، مفعول، قید، قید
- ۲۹- همه موارد زیر در تاریخ بیهقی به کار رفته است بجز:
- (۱) حرف ربط «و» برای اضراب یعنی عدول از حکمی به حکم دیگر
- (۲) حرف ربط «تا» به معنی «حتی» حرف عطف
- (۳) حرف اضافه‌ی «را» گاه به معنی «در» برای ظرفیت
- (۴) حرف ربط «تا» مکرر به معنی «با»

- ۳۰- همه‌ی موارد زیر به جز از مختصات سبک نثر در دوره‌ی غزنوی و سلجوقی اول محسوب می‌شود.
 (۱) روش ایجاز و مساوات در این دوره تا حدودی جای خود را به اطناب می‌سپرد و از این حیث نثر را بین سبک ساده‌ی قدیم و سبک فنی دوره‌ی بعد قرار می‌دهد.
 (۲) آیات و احادیث و اشعار و امثله و استعارات برای آراستن کلام در حدی متعارف و خالی از تکلف استعمال شده است.
 (۳) به کار بردن سجع که نثر فارسی برای قبول و استعمال آن، آمادگی داشت و مراعات این صنعت ناگزیر مفردات لغوی بیش‌تری را در پی می‌آورد.
 (۴) به عکس دوره‌ی قبل روش جمله‌بندی عربی، بخصوص در آثار ترجمه شده از آن زبان در نثر این دوره کمتر دیده می‌شود.
- ۳۱- معنی همه‌ی گزینه‌های به جز گزینه از متن زیر دریافت می‌شود.
 «اوقاف اجداد و آباء ایشان هم از پرگار افتاده و طرق و سبل آن بگردیده. اگر امیر بیند در این باب فرمانی دهد، تا بسیار خلق از ایشان که از پرده بیفتاده‌اند و مضطرب گشته‌اند، به نوا شوند و آن اوقاف زنده گردد و ارتفاع آن به طرق و سبل رسد.»
 (۱) از پرده افتادن: نابسامان و تنگ حال شدن
 (۲) بگردیدن: انجام شدن
 (۳) طرق و سبل وقف: مصرف و موقوف علیه آن
 (۴) زنده گردیدن: آباد گردیدن
- ۳۲- در متن: «دانی که مرا جاهی و نامی بزرگ بوده است و همچنان پدرم را، که این نام و جاه به مدتی سخت دراز بجای آمده است.» معنی عبارت مشخص شده کدام است؟
 (۱) مدت مدیدی است که انتخاب شده است.
 (۲) نام‌گذاری شایسته‌ای است.
 (۳) استقرار یافته است و بدست آمده.
 (۴) درست و بجا انتخاب شده است.
- ۳۳- مفهوم ابیات زیر با کدام گزینه یکسان است؟
 «اذا ما كساك الله سربالَ صِحَّةٍ وَ أَعْطَاكَ مِنْ قُوْتِ يَجِلُّ وَ يَعْذُبُ
 فلا تَغِيْبَنَّ الْمَكْثِرِيْنَ قَائِمًا عَلَيَّ قَدْرٍ مَا يُعْطِيهِمُ الذَّهْرُ يَسْلُبُ»
 (۱) ناپایداری که پریشان شود قواعد ملک
 (۲) پادشاهیت میسر نشود روز به خلق
 (۳) تباه‌تر گسلی هر چه خوب‌تر بندی
 (۴) از من بگوی شاه رعیت نواز را
 نگاه‌دار دل مردم از پریشانی
 تا به شب بر در معبود گدایی نکنی
 نزارتر شکنی هر چه خوش‌تر آرایی
 منت منه که ملک خود آباد می‌کنی
- ۳۴- مفهوم عبارات «حکمای بزرگ‌تر که در قدیم بوده‌اند چنین گفته‌اند که از وحی قدیم که ایزد، عزوجل فرستاد به پیغمبر آن روزگار آن است که مردم را گفت که ذات خویش بدان که چون ذات خویش را بدانستی، چیزها را دریافتی.» با همه‌ی ابیات به جز بیت یکسان است.
 (۱) عزلت‌گزین که از سر عزلت شناختند
 (۲) بهر این گفت آن که بینای ره است
 (۳) دمی با حق نبودی چون زنی لاف شناسایی
 (۴) ای دل گرت شناختن راه حق هواست
 آدم در خلافت و عیسی ره سما
 حَقِّ شناسد آن که از نفس آگه است
 تمام عمر با خود بودی و شناختی خود را
 خود را بدان که عارف خود عارف خداست
- ۳۵- شاعر، بیت «أَيُّوْدُ أَيُّنَّهَا الْخِيَامُ زَمَانَنَا أَمْ لَا سَبِيلَ إِلَيْهِ بَعْدَ ذَهَابِهِ» را به چه مناسبت سروده است؟
 (۱) به قدرت رسیدن سلطان مسعود
 (۲) مرگ سلطان محمود
 (۳) به قدرت رسیدن امیرمحمد
 (۴) عدم قدرت امیرمحمد

۳۶- عبارات «خردمند آن است که به نعمتی و عشوه‌ای که زمانه دهد فریفته نشود و برحذر از باز شدن که سخت زشت ستانند و بی‌محابا.» با همهی ابیات به جز بیت تناسب مفهومی دارد.

- | | |
|--------------------------------------|--|
| (۱) کسی که لاله پرستد به روزگار بهار | ز شغل خویش بماند به روزگار خزان |
| (۲) دشمن جان است تو را روزگار | خویش‌ستن از دوستیش واگذار |
| (۳) غره مشو به دولت و اقبال روزگار | زیرا که با زوال هم‌الست دولتت |
| (۴) دل در این پیرزن عشوه‌گر دهر میند | کاین عروسی است که در عقد بسی داماد است |

۳۷- متن «هنر بزرگ آن است که روزی خواهد بود جزا و مکافات را در آن جهان و داوری عادل که از این ستمکاران داد مظلومان ستانند و اگر نبودی، دل و جگر بسیار کس پاره شدی.» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟

- | | |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| (۱) مکن بد با کسی و بد میندیش | کجا چون بد کنی بد آیدت پیش |
| (۲) هر که تیغ ستم کشد بیرون | فلکش هم بدان بریزد خون |
| (۳) دهقان سال خورده چه خوش گفت با پسر | کای نور چشم من به جز از کشته ندروی |
| (۴) سرانجام این زیستن مردن است | که بشکفتن آغاز پشیمردن است |

۳۸- مفهوم کلی ابیات زیر با کدام گزینه متناسب نیست؟

«أری کلَّ إنسان یرى غیب غیره
و کلُّ امری تخفی علیہ عیوبه»
و یعمی عن الغیب الذی هو فیہ
و یتذو له الغیب الذی لا خیه»

- | | |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| (۱) چو عیب تن خویشش داند کسی | ز عیب کسسان برنگوید بسی |
| (۲) عیب می جمله بگفتی هنرش نیز بگو | نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند |
| (۳) عیب مردم فاش کردن بدترین عیب‌هاست | عیب گو اول کند بی‌پرده عیب خویش را |
| (۴) عیب کسی بیند روان پاک غیب | عیب باشد کو نبیند جز که عیب |

۳۹- معنی کدام عبارت در کمانک مقابل آن غلط آمده است؟

- (۱) راست بدان ماندست که سوگند گران داشته است و آن را راست کرده است تا دروغ نشود (گویی که قسم خورده که هرگز دروغ نگوید.)
- (۲) من آنچه نبشتم از این ابواب حلقه در گوش باشد. (این مطالبی که نگاشتم چون حلقه‌ی ملازم گوش من است و عهده‌دار آن هستم.)

(۳) من که فضلی ندارم و در درجه‌ی ایشان نیستم. (هم پایه و رتبه‌ی آنان در فضل و دانش نیستم.)

(۴) امیر ماضی، شکوفه‌ی نهالی بود که ملک از آن نهال پیدا شد. (پادشاهی غزنوی از آن درخت نورسته پدید آمد)

۴۰- مفهوم عبارات: «پس باید دانست که برکشیدن تقدیر ایزد عزّ ذکره، پیراهن ملک از گروهی و پوشانیدن در گروه دیگر اندر آن حکمتی است ایزدی و مصلحتی عام مر خلق روی زمین را که درک مردمان از دریافتن آن عاجز مانده است.» با کدام بیت ارتباط کم‌تری دارد؟

- | | |
|----------------------------------|------------------------------|
| (۱) یکی را ز ماه اندر آری به چاه | یکی را ز چاه اندر آری به ماه |
| (۲) یکی را بر آری و شاهی دهی | یکی را به دریا به ماهی دهی |
| (۳) یکی را بر آرد به چرخ بلند | ز تیمار و دردش کند بی‌گزند |
| (۴) یکی را بر آرد به ابر بلند | دگر زو شود خوار و زار و نژند |

■ ■ عَيْن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (٤١ - ٤٦)

٤١ - ﴿ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ﴾:

(١) عَلَّمْتُ: ماضٍ - للمخاطب - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - صحيح و سالم / فعل و فاعله ضمير التاء البارز، والجملة فعلية و صلة و عائدها ضمير «نا»

(٢) سبحان: اسم - مفرد مذكّر - مشتق و صفة مشبّهة - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف / مفعول مطلق و منصوب

(٣) علم: اسم - مفرد مذكّر - جامد - نكرة / اسم «لا» النافية للجنس و مبني على الفتح ببناء عرضي و منصوب محلاً

(٤) ما: اسم غير متصرف - من أدوات الاستفهام - نكرة - مبني على السكون / مستثنى متّصل و منصوب تقديراً

٤٢ - « أَقْبَحُ الظُّلْمِ مَنْعُكَ حَقُوقَ اللَّهِ! »:

(١) حقوق: مفرد مذكّر - جامد - معرفّ بالإضافة - معرب - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف / مفعول به و منصوب لشبه فعل «منع» و فاعله ضمير الكاف

(٢) أقبح: مفرد مذكّر - مشتق و صفة مشبّهة (مصدره: قبح) - معرب - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف / مبتدأ و مرفوع، والجملة اسمية

(٣) منع: اسم - جامد و مصدر - معرفّ بالإضافة - معرب - صحيح الآخر - منصرف / خبر مفرد و مرفوع، و هو شبه فعل و فاعله الضمير المستتر

(٤) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكّر - معرفة (علم) - معرب - صحيح الآخر / مضاف إليه و مجرور

٤٣ - « عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ وَ يَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِيَّاهُ طَلَبَ! »:

(١) إِيَّاهُ: ضمير منفصل منصوب - للغائب - معرفة - مبني على الضمّ / مفعول به مقدّم وجوباً لفعل «طلب» و منصوب محلاً

(٢) الفقر: اسم - مفرد مذكّر - مشتق و صفة مشبّهة - معرفّ بآل - معرب - منصرف / مفعول به و منصوب

(٣) يفوت: للغائب - معتل و أجوف (إعلاله بالإسكان بنقل الحركة) / فعل مرفوع و فاعله ضمير «هو» المستتر فيه جوازاً

(٤) الَّذِي: موصول خاصّ أو مختصّ - للمفرد المذكّر - معرفة - مبني على السكون / مضاف إليه و مجرور محلاً

- ٤٤ - « بني عمنا؛ هل تذكرون بلاءنا عليكم، إذا ما كان يوم قُماطرًا! »:
- (١) إذا: اسم غير متصرف - من الأسماء الملازمة للإضافة - معرب / ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان و منصوب بالألف
- (٢) بلاء: مفرد مؤنث - معرف بإضافة - معرب - ممدود - ممنوع من الصرف/ مفعول به و منصوب
- (٣) تذكرون: مضارع - للمخاطبين - مجرد ثلاثي - متعدي - مبني للمعلوم / فعل مرفوع بثبوت نون الإعراب، و فاعله ضمير الواو البارز
- (٤) بني: جمع سالم للمذكر بالإلحاق - جامد - معرف بإضافة - معرب - منقوص / منادى مضاف و منصوب تقديرًا، و حرف النداء محذوف جوازاً
- ٤٥ - « لا تفرحن بليل طاب أوله فرب آخر ليل أجج النار! »:
- (١) طاب: ماضٍ - للغائب - مجرد ثلاثي - معتل و أجوف (إعلاله بالقلب) / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر و الجملة فعلية و نعت و مجرور محلاً بالتبعية
- (٢) تفرحن: للمخاطب - مجرد ثلاثي - مبني على الفتح بسبب وجود نون التوكيد - لازم - مبني للمعلوم / فعل مجزوم محلاً، و فاعله ضمير أنت المستتر وجوباً
- (٣) أجج: ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - صحيح و مضاعف (وكذلك مهموز الفاء) / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر جوازاً
- (٤) النار: اسم - مفرد مؤنث (معنوي و مجازي) - جامد - معرف بأل - معرب - مقصور - منصرف / مفعول به و منصوب بالألف
- ٤٦ - « دعوى الإخاء على الرّخاء كثيرة بل في الشّدائد تُعرف الإخوان! »:
- (١) دعوى: مفرد مذكر - مشتق و صفة مشبّهة - معرف بإضافة - مقصور - ممنوع من الصرف / مبتدأ و مرفوع تقديرًا، و الجملة اسمية
- (٢) تعرف: للغائبة - مجرد ثلاثي - متعدي - مبني للمجهول - معرب / فعل مرفوع و نائب فاعله «الإخوان» و الجملة فعلية
- (٣) كثيرة: اسم - مفرد مؤنث - مشتق و صفة مشبّهة (مصدره: كثرة) - نكرة - معرب - صحيح الآخر - منصرف / نعت و مرفوع بالتبعية
- (٤) الشّدائد: جمع تكسير (مفردة: شديدة، مؤنث) - مشتق و صفة مشبّهة (مصدره: شدة) - ممنوع من الصرف/ مجرور بالفتح، بحرف الجر؛ في الشّدائد: جار و مجرور
- ■ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّشْكِيلِ (٤٧ - ٤٨)
- ٤٧ - « إذا أكرمت اللّئيم بعض الإكرام ظن أنك في احتياج إليه، فأعرض عنه كلّ الإعراض! »:
- (١) اللّئيم - ظنّ - أنك - إحتياج (٢) أكرمت - بعض - الإكرام - ظنّ
- (٣) الإكرام - ظنّ - إنك - الإعراض (٤) بعض - إحتياج - أعرض - كلّ

- ٤٨- «يا راقد الليل مسروراً بأوكه ان الحوادث قد يطرقن أسحارا!»:
- (١) أوَّل - الحَوادِثَ - يَطْرُقْنَ - أسْحاراً
(٢) اللَّيْلِ - أوَّلَ - الحَوادِثَ - يَطْرُقْنَ
(٣) رَاقِدَ - اللَّيْلِ - مَسْرُوراً - إِنَّ
(٤) مَسْرُوراً - أَنْ - يَطْرُقْنَ - أسْحاراً
- ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ فِي الْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (٤٩-٦٠)
- ٤٩- «الأخوان اللذان يدعيان الإخاء ، سيُعرفان في الشدائد!» عَيْنُ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَعْرِبَانِ بِعَلَامَةِ الْإِعْرَابِ الْفُرْعِيَّةِ:
- (١) اللذان - يدعيان - الإخاء - يعرفان
(٢) الأخوان - الإخاء - يعرفان - الشدائد
(٣) الأخوان - يدعيان - يعرفان - الشدائد
(٤) الأخوان - اللذان - يدعيان - يعرفان
- ٥٠- عَيْنُ الْفِعْلِ بَدَلًا عَلَى مَعْنَى الْمَطَاوَعَةِ:
- (١) من وضعته الدنيا أتضع!
(٢) إن الإنسان يُفرّحه زوال الحرج!
(٣) إتصل بصديقك و لو إنك كاتبته!
(٤) لما أمسينا أبصرنا!
- ٥١- «متى ما تلقى ما تهوى دع الدنيا و أهلها!» عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلصَّيغِ الْمُخْتَلِفَةِ:
- (١) متى ما تلقون ما تهوين ، دعون الدنيا و أهلها!
(٢) متى ما تلقين ما تهوين ، دعوا الدنيا و أهلها!
(٣) متى ما تلقيا ما تهويان دعوا الدنيا و أهلها!
(٤) متى ما تلقي ما تهوين دعوا الدنيا و أهلها!
- ٥٢- عَيْنُ مَا يَمْتَنِعُ فِيهِ الْإِدْغَامُ:
- (١) لا تمداً يديكما عندك شخص، فقد يسبب لكما الذلة!
(٢) طوبى للطفل فيسره لعب و ينسى كل ما أحزنه!
(٣) لا تشفقن على أنفسكن في ما لم يجعل الله لكنّ منعا!
(٤) عليك أن تشح نفسك عملاً يحل لها و امتلاك الهوى!
- ٥٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ (عَنِ الْفَاعِلِ وَ عَامِلِهِ وَ الْخَبَرِ):
- (١) يقنى أهل الدنيا و الدنيا و آثار أعمال الإنسان باق!
(٢) تقنى الدنيا و أهلها و آثار أعمال الإنسان باقية!
(٣) الدنيا يقنى و أهلها و أثر عمل الإنسان باق!
(٤) تقنى الدنيا و أهلها و آثار أعمال الإنسان باقية!
- ٥٤- عَيْنُ الْمَبْتَدَأِ مُصَدِّراً غَيْرَ صَرِيحٍ:
- (١) إن سئلت ما في وسعك إجابته فلا تمنعه عن السائل!
(٢) أن تتفكروا ساعة بتعمق خير لكم من أن تسهروا ليالي!
(٣) لو كان الإنسان ذاهمة عالية يصل إلى مطلوبه!
(٤) الوفاء بالعهد من أحسن ميزات المسلم!
- ٥٥- عَيْنُ الْفَاءِ لَيْسَتْ سَبَبِيَّةً:
- (١) مازلنا نراك فنفرح بزيارتك!
(٢) لولا تأتينا فنتكلم معك!
(٣) يا ليتك كنت عندنا فندرس معاً!
(٤) إليس ملابس مناسبة فتصح!

٥٦- عین الحال الجامدة مؤولة إلى المشتق:

- (١) سرت يوم أمس في شاطئ البحر ففقدت خاتمي ذهباً!
- (٢) اشتريت الكراسي كل واحد منها بخمسة آلاف تومان!
- (٣) بعد أن انتهيت من امتحاناتي خطر ببالي أن أصنع حقيبة قماشاً!
- (٤) لقد آن العام الدراسي الجديد أربعة أسابيع ولكن الطلبة لم يحضروا بعد!

٥٧- عین «كل» منصوباً:

- (١) كل يوم هو في شأن!
- (٢) كل يرجع إلى أصله!
- (٣) كل امرئ عليه أن ينادي ربّه!
- (٤) كل الزملاء أقل مني درجة!

٥٨- عین ما ليس فيه من أفعال القلوب:

- (١) من اتخذك خلاً وقياً فارغ ذمام مودته!
- (٢) هب الحراس نائمين، ماذا يجب أن نفعل!
- (٣) قليلاً ما أسافر معه لأنني أخأله غير راغب إلى ذلك!
- (٤) واجهت مسألة صعبة و بعد التدقيق علمت حلّها!

٥٩- عین المشغول عنه مرفوعاً وجوباً:

- (١) لولا الرسالة لا تبدوها، كي تنتهي منها بسرعة؟
- (٢) هل درس قرأته قبل تعليم الأستاذ؟
- (٣) دخلت البيت فإذا العشاء قد هيأته أمي!
- (٤) لوالبيت نظفته كل أسبوع لخصت أعمالك قبل العيد!

٦٠- عین الخطأ في التعريب (على حسب تطبيق القواعد):

- (١) هر آنچه در ابتدای روز به آن بیندیشی برایت اتفاق خواهد افتاد! ما تفکر به بداية النهار يحدث لك!
- (٢) زندگی نیکو نیست تا زمانی که از مشکلات آن شکایت کنی: لیست الحياة طيبة مادمت تشكو مشكلاتها!
- (٣) پندها چه زیاد است و عبرت گرفتن چه اندک: ما أكثرت العبر و أقل الاعتبار!
- (٤) هیچ چیزی نیست مگر آنکه علم آن نزد خدا باشد: ما من شيء إلا عند الله علمه!

زبان تخصصی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the answer on your answer sheet.

- 61- In ----- to the passion and visionary boldness of Pindar's odes, Horation odes are calm, meditative, and restrain.
1) relation 2) regard 3) concern 4) contrast
- 62- During the Crimean War, Tolstoy wrote war stories, which ----- his literary reputation.
1) inserted 2) devoted 3) described 4) established
- 63- In ----- of Nezami's vast knowledge and brilliant mind, the honorific title of hakim, was bestowed upon him.
1) reserve 2) concept 3) recognition 4) reflection

- 64- Saadi's work ----- a mastery of traditional Islamic education and a general intellectual sophistication that could well been gained in an institution such as the Baghdad Nizamiyya.
1) explores 2) adores 3) reveals 4) pretends
- 65- The essay discusses its subject in nontechnical fashion, and often with a liberal use of such ----- as anecdote, striking illustration and humor to augment its appeal.
1) devices 2) ideas 3) genres 4) means
- 66- The major criteria for evaluating literature have not been specific to one genre, but ----- to all kinds of works.
1) accomplished 2) applicable 3) impressive 4) restricted
- 67- Haft Peykar is a bedazzling exploration of the pleasures of love. At the same time, it can be ----- as a mystical.
1) developed 2) prepared 3) protected 4) interpreted
- 68- Muhammad Shirazi, persian lyric poet and panegyrist, commonly considered the pre-eminent ----- of the ghazal form.
1) supporter 2) master 3) apprentice 4) instructor
- 69- The doctrin of decorum required the level of style in a work be ----- to the speaker, the occasion, and the dignity of its literary genre.
1) concurrent 2) appropriate 3) persuasive 4) extraordinary
- 70- In the 19th century the ----- of new types of magazines gave great impetus to the writing of essays, and made them a major department of literature.
1) founding 2) recovery 3) erudition 4) eminence

PART B: Cloze Test

Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Many neoclassic critics thought of the form of a work as a combination of component parts, put together according to the (71) ----- of decorum, or mutual fittingness. Coleridge and other Romantic organicists (72) ----- between mechanic form, which is a preexistent shape such as we impose on wet clay by a mold, and organic form, which, as Coleridge says, "is innate; it (73) ----- as it develops itself from within, and the fullness of its development is one and the same with the (74) ----- of its outward form." To Coleridge, in other words, a good poem is like a growing plant which evolves, by an internal energy, (75) ----- the organic unity which constitutes its achieved form.

- 71- 1) thesis 2) appeal 3) principle 4) magnitude
72- 1) displaced 2) distinguished 3) researched 4) constituted
73- 1) shapes 2) recurs 3) grasps 4) assumes
74- 1) inclination 2) perfection 3) interaction 4) aspiration
75- 1) at 2) on 3) of 4) into

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following passages and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark the correct choice on your answer sheet.

Passage 1:

The short story, is a story that is short; that is, it differs from the novel in the dimension which Aristotle calls "magnitude," and this limitation imposes differences both in the effects that can be achieved and in the choice and management of the elements to achieve those effects. Edgar Allan Poe, who is sometimes called the originator of the short story as a specific genre, was at any rate its first critical theorist. He defined what he called "the prose tale" as a narrative that can be read at one sitting of form one-half hour to two hours, and that is limited to "a certain unique or single effect," to which every detail is subordinate. Poe's comment applies to many short stories, and it points to the economy of management which tightness of the form always imposes in some degree. We can say that, by and large, the short story writer introduces a very limited number of characters, cannot afford the space for a leisurely analysis and sustained development of character, and cannot undertake to develop as dense and detailed a social milieu as does the novelist. He often begins his story close to, or even on the verge of, the climax, minimizes both prior exposition and the details of the setting, keeps the complications down, and clears up the denouement quickly-sometimes in a few sentences. The central incident is selected to reveal as much as possible of the totality of the protagonist's life and character, and the details are devised to carry maximum significance. This spareness in the narrative means often gives the artistry in a good short story higher visibility than the artistry in an equally good novel.

Many distinguished short stories, however, depart from this paradigm in various ways. It must be remembered that the name covers a great diversity of prose fiction, all the way from the short short story, which is a slightly elaborated anecdote of perhaps 500 words, to such long and complex forms as Conrad's Heart of Darkness, whose status between the tautness of the short story and the expansiveness of the novel is sometimes indicated by the name novelette.

- 76- **The difference between the short story and novel, according to the passage, is in -----.**
 1) origin 2) dimension 3) narration 4) point of view
- 77- **"The prose tale" in line 5 refers to -----.**
 1) a narrative 2) the prose writing 3) the short story 4) the critical theory
- 78- **The effective and high point of the short story usually comes -----.**
 1) close to its beginning
 2) after a lot of incidents happening for the protagonist
 3) near the end of it
 4) after its prior exposition and elaborated details of the setting
- 79- **It's mentioned in the passage that the short stories -----.**
 1) are more artistic than novels in plot and the subject
 2) have space for developing a social environment densely
 3) have limitation in characters and this diminishes their effects
 4) are not complicated and the ends of the stories reveal in a few sentences

80- Which sentence is NOT true?

- 1) Heart of Darkness is longer than a short story.
- 2) Economy of management in the short story leads to its simplicity.
- 3) Short story covers a great diversity of prose fiction.
- 4) Edgar Allan Poe was the first critical theorist of the short story.

Passage 2:

Eliot helped shape changing literary tastes as much by his essays and literary criticism as by his poetry. Influenced himself by T.E. Hulme's proposal that the time had come for a classical literature of "hard, dry wit" after Romantic vagueness and religiosity and, following Imagism's goal of clear, precise physical images phrased in everyday language, he outlined his own definitions of literature and literary history and contributed to a theoretical approach later known as the New Criticism. Eliot's "impersonal theory of poetry" emphasizes the medium in which a writer works, rather than his or her inner state; craft and control rather than the Romantic ideal of "a spontaneous overflow" of private emotion. Poetry can and should express the whole being-intellectual and emotional, conscious and unconscious. In a review of Herbert Grierson's edition of the seventeenth-century Metaphysical poets (1921), Eliot praised the complex mixture of intellect and passion that characterized John Donne and to other Metaphysicals and criticized the tendency of English literature after the century to separate the language of analysis from that of feeling. His criticism of this "dissociation of sensibility" implied a change in literary tastes: from Milton to Donne, from Tennyson to Gerard Manley Hopkins, from Romanticism to classicism, from simplicity to complexity.

The great poetic example of this change came with *The Waste Land* in 1922. Eliot dedicated the poem to Ezra Pound, who had helped him revise the first draft, with a quotation from Dante praising the "better craftsmen". *The Waste Land* describes modern society in a time of cultural and spiritual crisis and sets off the fragmentation of modern experience against references to a more stable cultural heritage. The most influential technical innovation in *The Waste Land* was the deliberate use of fragmentation and discontinuity. Eliot pointedly refused to supply any transitional passages or narrative thread and expected the reader to construct a pattern whose implications would make sense as a whole. This was a direct attack on linear habits of reading, which are here broken up with sudden introductions of different scenes or unexplained literary references, shifts in perspective, interpolation of a foreign language changes from elegant description to barroom gossip, from Elizabethan to modern scene, from formal to colloquial language.

81- It's mentioned in the passage that Eliot believes that the poetry is -----.

- 1) just the poet's inner state
- 2) a criticism against the society in the time of crisis
- 3) unable to express the whole being intellectual and conscious
- 4) not a spontaneous overflow of private emotion

82- According to the passage, Ezra Pound -----.

- 1) helped Eliot to revise the first draft of *The Waste Land*
- 2) influenced Eliot to write *The Waste Land*
- 3) wrote a quotation from Dante for Eliot's poems
- 4) praised Eliot as a better craftsman in his poems

83- The characteristic of 17th century Metaphysical poets was -----.

- 1) a noticeable change in literary tastes
- 2) the tendency to separate the language of analysis from the feeling
- 3) like the Romantic ideal in writing poems
- 4) the use of a mixture of intellect and passion in their poems

84- Eliot believed that -----.

- 1) the writer must supply all details in his or her work
- 2) the readers should follow a linear habit of reading
- 3) the writer shouldn't use the fragmentation and discontinuity
- 4) readers should construct a pattern by using the implications in the story

85- According to the passage, which sentence is NOT true?

- 1) In The Waste Land, Eliot used a technical innovation.
- 2) Eliot influenced on literature by both his essays and poems.
- 3) Eliot was influenced by the character of T.E.Hulme.
- 4) Eliot helped shaping a theoretical approach known as New Criticism.

Passage 3:

Imagery is one of the most common in modern criticism, and one of the most ambiguous. Its applications range all the way from the "mental pictures" which, it is claimed, are experiences by the reader of the poem, to the totality of the elements which make up a poem. An example of this latter usage is C. Day Lewis' statement, in his Poetic Image (1948), that an image "is a picture made out of words," and that "a poem may itself be an image composed from a multiplicity of images." Three uses of the word, however, are especially frequent:

1. "Imagery" is used to signify all the objects and qualities of sense perception referred to in a poem or other work of literature, whether by literal description, by allusion, or in the analogues used in its similes and metaphors. In Wordsworth's "she Dwelt among the Untrodden Ways," the imagery in this broad sense includes the literal objects the poem refers to ("ways," "maid," "grave"), as well as the "violet" and "stone" of the metaphor and the "star" and "sky" of the simile in the second stanza. The term "image" should not be taken to imply a visual reproduction of the object referred to; some readers of the passage experience visual images and some do not; and among those who do, the explicitness and detail of the mind-pictures vary greatly. Also, imagery includes auditory, tactile (touch), olfactory (smell), gustatory (taste), or kinesthetic (sensations of movement), as well as visual qualities. In his In Memoriam, number 101, for example, Tennyson's references are to qualities of smell and hearing, as well as sight.

2. Imagery is used, more narrowly, to signify only descriptions of visible objects and scenes, especially if the description is vivid and particularized, as in Coleridge's "Ancient Mariner":

3. Most commonly, imagery is used to signify figurative language, especially the vehicles of metaphors and similes. Recent criticism, and especially the new criticism, has gone far beyond older criticism in stressing imagery, in this sense, as the essential component in poetry, and as a major clue to poetic meaning, structure, and effect.

86- According to the passage, the experiences by the readers of the poem refer to -----.

- 1) imagery
- 2) the mental pictures
- 3) poetic image
- 4) the pictures that make up a poem

87- "This latter" in paragraph 1 line 4 refers to -----.

- 1) the mental pictures
- 2) the totality of the elements which make up a poem
- 3) the applications of the imagery
- 4) an image that is a picture made out of words

88- "Star" and "sky" in "she Dwelt among the Untrodden Ways" are -----.

- 1) images
- 2) objects
- 3) similes
- 4) metaphors

-
- 89- It's mentioned in paragraph 2 that -----.
- 1) all readers of the passage experience visual images
 - 2) the explicitness and detail of the mind-pictures are the same for all readers
 - 3) image doesn't imply a visual reproduction of the object which is referred to
 - 4) In imagery, the visual qualities are more significant than the others
- 90- According to the passage, recent criticism -----.
- 1) stresses more on imagery
 - 2) considers imagery not as a major part in poetry
 - 3) pays lower attention on imagery
 - 4) uses metaphor and simile more than imagery